

کتاب دانیال - شماره سی و پنج

آشکار ساختن چارچوب نبوی: بصیرت ویلیام میلر و سه قدرت ویرانگر که به آرماگدون منتهی می‌شوند

Jeff Pippenger

2023-12-30

«زمان آخر»، در سال ۱۷۹۸، کتاب دانیال، و به‌طور مشخص‌تر رؤیایی که با نهر اولای نمایش داده شده بود، گشوده شد. آن رؤیا آغاز دآوری تحقیقی را در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ اعلام کرد. آیه‌ای که بنیاد آن حقیقت گردید، دانیال باب هشت، آیه چهارده است. ویلیام میلر، رسولی که برای تشخیص گشوده‌شدن این پیام برگزیده شده بود، هرگز همه حقایق مربوط به آن رؤیا را به‌طور کامل درک نکرد، اما کاری را که به او سپرده شده بود، به انجام رسانید.

«اینها را که در کتاب دانیال آمده است، به‌طور مشخص‌تر رؤیایی که با نهر اولای نمایش داده شده بود، گشوده شد. آن رؤیا آغاز دآوری تحقیقی را در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ اعلام کرد. آیه‌ای که بنیاد آن حقیقت گردید، دانیال باب هشت، آیه چهارده است. ویلیام میلر، رسولی که برای تشخیص گشوده‌شدن این پیام برگزیده شده بود، هرگز همه حقایق مربوط به آن رؤیا را به‌طور کامل درک نکرد، اما کاری را که به او سپرده شده بود، به انجام رسانید.»

«زمان آخر»، در سال ۱۷۹۸، کتاب دانیال، و به‌طور مشخص‌تر رؤیایی که با نهر اولای نمایش داده شده بود، گشوده شد. آن رؤیا آغاز دآوری تحقیقی را در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ اعلام کرد. آیه‌ای که بنیاد آن حقیقت گردید، دانیال باب هشت، آیه چهارده است. ویلیام میلر، رسولی که برای تشخیص گشوده‌شدن این پیام برگزیده شده بود، هرگز همه حقایق مربوط به آن رؤیا را به‌طور کامل درک نکرد، اما کاری را که به او سپرده شده بود، به انجام رسانید.

هوام ما را آگاه می‌سازد که فرشته جبرئیل، همراه با دیگر فرشتگان مقدس، ذهن میلر را هدایت کرد، همان‌گونه که جبرئیل ذهن‌های دانیال، یوحنا مکاشفه‌نگار و همه انبیای کتاب مقدس را هدایت کرده بود؛ زیرا وظیفه‌ای که شیطان از دست داد به جبرئیل سپرده شده بود. وظیفه جبرئیل در نخستین نام شیطان، یعنی «لوسیفر»، که به معنای «آورنده نور» است، نمادین شده بود. جبرئیل نور نبوی را به میلر رسانید، و او نیز در اطاعت از آن نور، پیامی را اعلام کرد که گشایش دآوری تحقیقی را در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ اعلام می‌نمود.

پس‌نگری این امکان را برای کسانی که مایل‌اند کار ویلیام میلر را درک کنند، فراهم می‌آورد که تشخیص دهند به او بینش‌هایی معین نسبت به کلام نبوی عطا شده بود که به کلیدهایی برای کار او در گردآوری پیام دآوری نزدیک‌شونده بدل گردید. یکی از آن کلیدها، تشخیص او بود مبنی بر اینکه در کاربرد نبوی، یک روز نمایانگر یک سال است. دیگری، ساختاری نبوی بود که او برای جای دادن و هم‌راستا ساختن خطوط نبوتی که کشف کرده بود، به کار گرفت. آن ساختار بر دو قدرت شیطانی استوار بود که ویرانی را بر قوم خدا و مقدس او وارد آوردند. تمامی اکتشافات میلر بر آن ساختار نبوی قرار داده شد؛ ساختاری که نمایانگر تاریخ بت‌پرستی بود که سپس پاپ‌گرایی در پی آن آمد، و این دو به‌طور متوالی هم مقدس خدا و هم قوم خدا را از زمان اسرائیل باستان تا بازگشت ثانوی مسیح پایمال کردند.

آن ساختار نبوی به او امکان داد تا هر حقیقت لازم را به‌درستی شناسایی کند تا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ را به‌عنوان آغاز دآوری تثبیت نماید. اما آن حقیقت محدود بود، زیرا او نمی‌توانست سومین قدرت آزاردهنده را که در تاریخ نبوی پس از بت‌پرستی و پاپ‌گرایی آمد، ببیند. لازم نبود که او آن حقیقت را ببیند، زیرا کار او این بود که ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ را اعلام کند، و نور سومین قدرت آزاردهنده پس از آن تاریخ

گشوده می‌شد.

در ارتباط با همسو ساختن برداشت‌های نبوی خود بر ساختاری مبتنی بر دو قدرت ویرانگر روم بت‌پرست، که پس از آن روم پاپی می‌آید، او چنین نیز درک می‌کرد که واژه‌ای که در کتاب دانیال به «قربانی دائمی» ترجمه شده است، نمادی از بت‌پرستی، و یا روم بت‌پرست، بوده است. واژه «tamid» که به «قربانی دائمی» ترجمه شده است، دانیال پنج بار به کار می‌برد. این واژه همواره در پیوند با نمادی به کار رفته است که میلر به درستی آن را نماینده پاپیت می‌دانست. نماد پاپیت که همواره در ارتباط با «قربانی دائمی» ظاهر می‌شود، با دو نماد بازنمایی شده است. به هر صورت، این دو نماد قدرت پاپی، هر دو پاپیت را شناسایی می‌کنند؛ با این همه، هنگامی که دانیال واژه «tamid» را که به «قربانی دائمی» ترجمه شده است به کار برد، آن واژه همواره همراه نماد پاپیت و پیش از آن به کار رفت. درک میلر از «قربانی دائمی» در کتاب دانیال، شالوده ساختاری شد که او آن را بر دو قدرت ویرانگر بت‌پرستی و سپس پاپیت مبتنی می‌دید. شناسایی «قربانی دائمی» از سوی میلر به عنوان بت‌پرستی در کتاب دانیال، مقدر بود که در درون ادونتیسیم به مجادله‌ای عظیم بدل شود؛ مجادله‌ای که از نسل دوم ادونتیسیم، که در 1888 آغاز شد، شروع گردید.

پهلی نبوتی سچائی جو ملر نے دریافت کی، اور جو 22 اکتوبر 1844 کی فہم کا ایک جزو تھی، احبار چھبیس کے "سات زمانے" تھے، اور یہی ملر کی قائم شدہ سچائیوں میں سے پہلی سچائی تھی جیسے 1863 میں رد کر دیا گیا۔ اس رد عمل نے ایڈونٹ ازم کی پہلی نسل کا آغاز کیا، جب وہ لاودیکہ کے بیابان میں بھٹکنا شروع ہوئے۔ دوسری نسل کا آغاز 1888 میں میناپولس جنرل کانفرنس سے ہوا، اور وہاں واقع ہونے والی بغاوت کے بعد، 1901 میں ملر کی "روزانہ" کو بت‌پرستی کے طور پر متعین کرنے کی شناخت کو رد کرنے کا شیطانی کام شروع ہوا۔ "روزانہ" کی درست فہم کو مکمل طور پر اس وقت تک ایک طرف نہیں رکھا گیا جب تک کہ نبیہ کی وفات نہ ہو گئی، جس نے یہ نشان دہی کی تھی کہ وہ نظریہ جو ملر کے "روزانہ" کے درست نظریے کی مخالفت میں فروغ دیا جا رہا تھا، "ان فرشتوں کی طرف سے دیا گیا تھا جو آسمان سے نکالے گئے تھے۔" مکمل رد عمل تیسری نسل میں تقریباً 1931 کے آس پاس واقع ہوا۔ تیسری نسل کا آغاز 1919 کی بائبل کانفرنس کے فوراً بعد ڈبلیو۔ ڈبلیو۔ پریسکاٹ کی کتاب The Doctrine of Christ کی اشاعت کے ساتھ ہوا۔ 1919 میں تیسری نسل شروع ہوئی اور 1957 میں کتاب Questions on Doctrine کی اشاعت تک جاری رہی۔

پس از آن‌که کار میلر بر دو لوح حقوق به روشنی استوار و آشکار گردید (یعنی نمودارهای پیشگام ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰)، خداوند سپس آغاز کرد به گشودن این حقیقت که قدرت ویرانگر دیگری، یعنی قدرتی سوم، وجود خواهد داشت که در پی بت‌پرستی و پاپ‌گرایی خواهد آمد و آن نیز قوم خدا را آزار خواهد رساند.

“1899 арқылы, ал содан кейін папалық арқылы, Шайтан көптеген ғасырлар бойы жер бетінен Құдайдың адал куәгерлерін жойып жіберуге ұмтылып, өз билігін жүргізді. Бутпарастар мен папашылдар бірдей айдаһар рухының ықпалында болды. Олардың айырмашылығы тек мынада еді: Құдайға қызмет еткендей сыңай танытқан папалық анағұрлым қауіпті де қатыгез дұшпан болды. Римшілдіктің құралы арқылы Шайтан дүниені тұтқынға алды. Құдайдың шынайы шіркеуі осы адасушылықтың қатарына сіңіп кетті, және мың жылдан астам уақыт бойы Құдай халқы айдаһардың қаһарының астында азап шекті. Ал папалық өз күшінен айырылып, қудалауын тоқтатуға мәжбүр болғанда, Жохан айдаһардың үнін қайталап, сол баяғы қатыгез әрі Құдайға тіл тигізуші істі жалғастыру үшін көтеріліп келе жатқан жаңа бір билікті көрді. Шіркеуге және Құдай заңы-на қарсы соғыс

ашатын ең соңғы осы билік қозыға ұқсас мүйіздері бар аңмен бейнеленді. Оған дейінгі аңдар теңізден көтеріліп шыққан еді, ал бұл аң жерден шықты; бұл өзі арқылы бейнеленген ұлттың бейбіт түрде өрлеуін білдіреді. 'Қозыға ұқсас екі мүйіз' Америка Құрама Штаттары үкіметінің болмысын, оның екі негізгі қағидасы — республикализм мен протестантизмде көрініс тапқан сипатын өте жақсы білдіреді. Бұл қағидалар — біздің ұлт ретіндегі күш-қуатымыз бен гүлденуіміздің құпиясы. Америка жағалауларынан алғаш пана тапқандар папалықтың астам талаптарынан және патшалық биліктің озбырлығынан азат елге жеткендеріне қуанды. Олар азаматтық және діни бостандықтың кең іргетасы үстіне үкімет құруға бел буды." Signs of the Times, November 1, 1899"

милер نتوانست قدرت سوم آزاردهنده را ببیند، و از این رو ساختار او ناقص بود، هرچند کاملاً برای انجام کارش مناسب بود. خواهر وایت تصریح می‌کند که میلر پیام‌آور برگزیده خدا بود؛ این که او در کار خویش به وسیله ایلیا و یحیی تعمیددهنده نمونه‌وار پیش‌نمایانده شده بود، و در فراخوانده‌شدنش به کار خویش به وسیله الیشع، و در مرگش به وسیله موسی. در تاریخ مقدس، اندکاند کسانی که شرح و تفسیری درباره ایشان الهام شده باشد که فرشتگان در کنار قبرشان در انتظار ایستاده‌اند تا آنان را قیامت دهند؛ اما این همان شرحی است که درباره میلر آمده است. این واقعیت که کار او به وسیله تاریخی که در آن برانگیخته شد محدود بود، سخنی تحقیرآمیز درباره میلر نیست، بلکه صرفاً ضرورتی است که باید بدان اذعان کرد، اگر قرار است کار او در پرتو حقیقی کلام نبوی خدا مورد ملاحظه قرار گیرد.

میلر رهنمودی مشخص و فرشته‌گون دریافت کرد که به او امکان داد چارچوبی نبوی بنا کند که بر دو قدرت ویرانگر بت‌پرستی و سپس پاپیت استوار بود. از این رو، نبوت‌هایی که تاریخ فراتر از ویرانی به‌انجام‌رسیده به وسیله آن دو قدرت را مشخص می‌کردند، از سوی میلر به‌درستی فهمیده نشدند. با این حال، هیچ‌یک از آن بدفهمی‌ها به دو لوح مقدس حقیق راه نیافت؛ همان‌جا که بنیادهایی که از طریق کار میلر برپا شده بود، به‌گونه‌ای تصویری به نمایش درآمد. از همین‌جاست که الهام توانست درباره چارت 1843 ثبت کند که آن به هدایت دست خداوند رهنمون شده بود.

«خداوند به من نشان داد که جدول ۱۸۴۳ به هدایت دست او تنظیم شده بود، و این که هیچ بخشی از آن نباید تغییر داده شود؛ و این که ارقام همان‌گونه بودند که او می‌خواست. دست او بر آن بود و خطایی را در برخی از ارقام پوشانده و پنهان ساخته بود، به‌گونه‌ای که هیچ‌کس نتوانست آن را ببیند تا زمانی که دست او برداشته شد.»

«سپس در ارتباط با «مداوم» دیدم که واژه «قربانی» به وسیله حکمت انسان افزوده شده است و به متن تعلق ندارد؛ و اینکه خداوند دیدگاه درست آن را به کسانی عطا کرد که فریاد ساعت داوری را اعلام نمودند. هنگامی که اتحاد برقرار بود، پیش از ۱۸۴۴، تقریباً همگان بر دیدگاه درست «مداوم» متحد بودند؛ اما از سال ۱۸۴۴، در میان آشفتگی، دیدگاه‌های دیگری پذیرفته شده است، و تاریکی و سردرگمی در پی آمده است.» 1 Review and Herald، نوامبر 1850.

حقایقی که میلر به هدایت فرشتگان گرد آورد، به رهبری خداوند انجام شد؛ و در تأیید نمودار ۱۸۴۳، الهام نیز شامل این امر بود که فهم میلر مبنی بر این که «قربانی دائمی» نمایانگر بت‌پرستی است، درست بود. واژه عبری «tamid» که به «قربانی دائمی» ترجمه شده است، پنج بار در کتاب دانیال آمده است، و همواره رابطه میان دو قدرت ویرانگر، یعنی نخست بت‌پرستی و سپس پاپ‌گرایی، را نشان می‌دهد.

میلر کی "روزانہ" کے بارے میں یہ سمجھ کہ یہ بت پرستی کی علامت ہے، اُس نبوی ڈھانچے میں جسے اُس نے اختیار کیا، بالکل ناگزیر تھی، کیونکہ بت پرستی کے بعد پاپائیت کی ترتیبی نسبت وہ بنیادی حوالہ بن گئی تھی جس کی روشنی میں اُس نے اُن تمام پیشین گوئیوں کو ہم آہنگ کیا جنہیں سمجھنے کی طرف وہ راہنمائی پایا۔

در «زمان آخر»، در سال ۱۷۹۸، کتاب دانیال گشوده شد، و بخش اصلی ای که خواهر وایت آن را «ستون مرکزی» و «بنیاد» نهضت ادونتی معرفی کرد، دانیال باب هشت، آیه چهارده بود.

«آیت مقدّسه جو سب دیگر آیات سے بڑھ کر ایمان آمد ثانی کی بنیاد اور اس کا مرکزی ستون رہی تھی، یہ اعلان تھا: "دو ہزار اور تین سو شام و صبح تک؛ پھر مقدّس پاک کیا جائے گا." [409]» [8:14: The Great Controversy, 409]

آیت چودہ، آیت تیرہ کا جواب ہے، اور سوال کے سیاق کے بغیر یہ جواب بے معنی ہے۔

سپس شنیدم قدیسی سخن می گفت، و قدیسی دیگر به آن قدیس گوینده گفت: «این رؤیا درباره قربانی دائمی و عصیان ویرانگر تا به کی خواهد بود، تا هم قدس و هم لشکر به پایمال شدن سپرده شوند؟» و او به من گفت: «تا دو هزار و سیصد روز؛ آنگاه قدس تطهیر خواهد شد.» دانیال ۱۴، ۱۳:۸

این دو آیه، نماد فزونی معرفتی هستند که هنگامی پدید آمد که کتاب دانیال در «زمان آخر»، در سال 1798، گشوده شد. آیه سیزدهم، آن دو قدرت ویرانگر را مشخص می سازد که میلر الگوی نبوتی خود را بر آن ها بنا کرد. میلر «قربانی دائم» را در آیه سیزدهم بت پرستی، و «تعدی ویرانگر» را پاپ گرایی شناسایی کرد. مهم است که دریاپیم الگوی نبوتی ای که فرشتگان میلر را به شناخت آن هدایت کردند، در همان دو آیه ای معرفی شده است که نمایانگر فزونی معرفتی هستند که در سال 1798 در تاریخ پدیدار شد. با این همه، به میلر داده نشد که قدرت بعدی را که می بایست بر صحنه نبوت ظاهر شود و قوم خدا را آزار رساند، ببیند.

que la bestia de dos cuernos tenía boca de dragón, y que su poder estaba en su 1» cabeza, y que el decreto saldría de su boca. Luego vi a la Madre de las Rameras; que la madre no eran las hijas, sino que estaba separada y era distinta de ellas. Ella ha tenido su día, y ya pasó; y sus hijas, las sectas protestantes, fueron las que siguieron en entrar en escena y representar la misma disposición de ánimo que tenía la madre cuando perseguía a los santos. Vi que, así como la madre ha ido decayendo en poder, las hijas han ido creciendo, y pronto ejercerán el poder que una vez ejerció la madre.» Spalding and Magan, 1»

ناتوانی میلر در دیدن قدرت سوم، او را واداشت تا به نتیجه گیری هایی برسد که به سادگی نادرست بودند. میلر وحش دریا در مکاشفه باب سیزده را روم مشرک و وحش زمین را روم پاپی شناسایی کرد. تطبیق او از مکاشفه باب هفده نیز به سبب ناتوانی اش در دیدن تاریخ نبوی ای که فراتر از دومین قدرت ویرانگر، یعنی پاپ گرایی، امتداد می یافت، معیوب بود. از این رو، هنگامی که میلر قدرت روم را در نبوت دانیال شناسایی کرد، آن ها را یک قدرت تلقی نمود که در دو مرحله ظاهر شد. این تطبیقی درست بود و هست، اما او را از درک پادشاهی های نبوت کتاب مقدس به منزله اموری که فراتر از پادشاهی چهارمی که به وسیله روم نمایانده شده بود امتداد می یابند، بازداشت. او دید و شناسایی کرد که پادشاهی چهارم روم دارای دو مرحله بود که به صورت روم مشرک و روم پاپی نمود یافته بود، اما نتوانست ببیند که روم پاپی همچنین همان پادشاهی پنجم بود که می بایست پس از آن پادشاهی ششمی بیاید.

در باب دوم دانیال، میلری ها عناصر پادشاهی پنجم نبوت کتاب مقدس را با پادشاهی چهارم درهم آمیختند. در سطحی بنیادین، کاربرد آنان درست بود، اما کامل نبود؛ زیرا نخستین اشاره به پادشاهی های نبوت کتاب مقدس باید با آخرین اشاره به پادشاهی های نبوت کتاب مقدس موافقت داشته باشد، چون عیسی، به عنوان الفا و امگا، همواره پایان را با آغاز به تصویر می کشد. ناتوانی در دیدن تمایز میان دو پادشاهی پی در پی، تشخیص این امر را برای میلر ناممکن ساخت که مکاشفه باب دوازده، بت پرستی (اژدها) را معرفی می کند، و وحش دریا از مکاشفه باب سیزده را به عنوان پاپ گرایی (وحش)، و وحش زمین از مکاشفه باب سیزده را به عنوان پروتستانتیسم مرتد (نبی کاذب).

میلر نتوانست اژدها، وحش و نبی کذاب را در فصل های دوازدهم و سیزدهم مکاشفه به منزله سه پادشاهی متوالی ببیند؛ از این رو، منطق نبوتی او وی را ناگزیر ساخت که چنین فرض کند که آن دو فصل، تصویری متوالی از آن سه قدرتی نیستند که جهان را به آرماگدون رهبری می کنند. نوری که به میلر عطا شد، نور کامل مناسب نسل او بود، و نسل او به وسیله همان نور آزموده شد.

نور سه قدرت ویرانگر (اژدها، وحش و نبی کاذب)، در «زمان آخر» در سال ۱۹۸۹ به Future for America عطا شد. بخشی از دانیال که با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، در تحقق دانیال فصل یازدهم و آیه چهارم، مهرگشایی شد، نور فرشته سوم بود، حال آنکه به میلر نور فرشته اول داده شده بود. شش آیه آخر دانیال یازدهم، به عنوان شالوده و ستون مرکزی نهضت Future for America شناخته شد، و آیه چهارم دانیال فصل یازدهم، آن نور را خلاصه می کند، همان گونه که آیات سیزده و چهارده دانیال فصل هشتم، نوری را که در جنبش میلری مهرگشایی شده بود، خلاصه می کردند.

और, घुड़सवारों, रथों राजा का उत्तर और; करेगा आक्रमण पर उस राजा का दक्षिण समय के अन्त और
हुआ उमड़ता और, करेगा प्रवेश में देशों वह और; आएगा चढ़ पर उस नाई की बवंडर साथ के जहाजों से-बहुत
I 11:40 दानियेल जाएगा। बढ़ आगे

آیه، جنگی را شناسایی می کند که در «زمان آخر» در سال 1798 میان پادشاه جنوب و پادشاه شمال آغاز شد. پادشاه جنوب نمایانگر فرانسه ملحد بود که در همان سال زخم مهلک را بر پاپیت وارد ساخت. پاپیت در آنجا به عنوان پادشاه شمال نمایانده شده است. فرانسه، از نظر نبوی در سال 1798، یک دهه از ده پادشاهی فصل هفتم دانیال بود. آن ده پادشاهی نمایانگر روم بت پرست اند، و روم بت پرست نمایانگر اژدهاست. پاپیت (پادشاه شمال) نمایانگر وحش است. آیه مشخص می سازد که پادشاه شمال (پاپیت)، که در آغاز آیه زخم مهلک خود را دریافت کرده بود، سرانجام بر ضد پادشاه جنوب (پادشاه الحاد) تلافی خواهد کرد. هنگامی که پاپیت دست به تلافی زد، پادشاه الحاد از ملت فرانسه به کنفدراسیون اتحاد جماهیر شوروی منتقل شده بود. فرانسه یک ملت بود، اما هنگامی که پاپیت در این آیه بر ضد پادشاه جنوب تلافی کرد، پادشاه جنوب به صورت «کشورها» معرفی شده بود، همان گونه که اتحاد جماهیر شوروی سابق نیز چنین بود.

هنگامی که پادشاه شمال (پاپیت) به تلافی برخاست، با خود «ارابه ها»، «سواران» و «کشتی های بسیار» آورد. ارابه ها و سواران نمادهای قدرت نظامی اند، و کشتی ها نمادهای قدرت اقتصادی. قدرتی که برای سرنگون ساختن اتحاد جماهیر شوروی با پاپیت اتحادی نامقدس تشکیل داد، ایالات متحده بود؛ و دو قدرت ایالات متحده در مکاشفه باب سیزدهم، توانایی آن برای واداشتن جهان به پذیرفتن نشان اقتدار پاپی از راه قوه قهریه نظامی و اقتصادی معرفی شده است. انسان ها بدون آن نشان از خریدن یا فروختن ممنوع خواهند شد، و افزون بر این، بدون آن نشان، به مرگ سپرده خواهند شد.

آیه چهارم به صراحت اژدها (پادشاه جنوب)، وحش (پاپیت) و نبی کاذب (ایالات متحده) را مشخص می سازد. آیه بنیادی مربوط به «زمان آخر» در سال ۱۹۸۹، سه قدرت ویرانگر را که جهان را به آرماگدون

رہبری می کنند، معرفی می کند؛ همان گونه که آیات بنیادی جنبش میلری، دو قدرت ویرانگر بت پرستی را که به دنبال آن پاپیت آمد، شناسایی می کردند.

یہ آیت بادشاہ جنوب اور بادشاہ شمال کے درمیان ایک جنگ سے شروع ہوتی ہے۔ آیت کے آغاز میں (1798) بادشاہ جنوب غالب آتا ہے، لیکن آیت ہی میں بادشاہ شمال جوابی حملہ کرتا ہے اور بادشاہ جنوب پر غالب آ جاتا ہے۔ آیت کا آغاز بادشاہ شمال اور بادشاہ جنوب کے درمیان جنگ کو نشان زد کرتا ہے، اور آیت میں مضمیر پیغام کے اختتام پر انہی شمالی اور جنوبی بادشاہوں کے درمیان وہی جنگ، مگر الٹے نتائج کے ساتھ، دکھائی گئی ہے۔ آغاز نے 1798 میں "وقت آخر" کو نشان زد کیا، اور اختتامی جنگ 1989 میں "وقت آخر" کو نشان زد کرتی ہے۔ یہ آیت اپنی مکتوب گواہی کے اندر الفا اور اومیگا، یعنی ابتدا اور انتہا، کے دستخط کو سموئے ہوئے ہے۔

تاریخ واقعیہ این آیہ، پس از فروپاشی اتحاد جماہیر شوروی در سال ۱۹۸۹ ادامه می یابد تا به قانون یکشنبہ آیہ چهلویک برسد. در ہنگام قانون یکشنبہ، اتحاد سہ گانہ بابل مدرن از طریق سلسلہ ای از رویدادہای سریع پدید می آید. بنابراین، آیہ چهل از زمانی آغاز می شود کہ زخم مہلک در سال ۱۷۹۸ وارد می گردد و فاحشہ صور بہ فراموشی سپردہ می شود. تاریخی کہ این آیہ نمایندگی می کند، بہ طور کامل در قانون یکشنبہ آیہ چهلویک پایان می یابد؛ جایی کہ زخم مہلک شفا می یابد و فاحشہ صور بہ یاد آورده می شود. امضای آغاز و پایان نہ تنها بر متن موجود در آیہ نوشتہ شدہ است، بلکہ بر تمام تاریخ کاملی کہ آیہ نمایندگی می کند نیز نقش بستہ است. این آیہ چارچوب نبوی ای را مشخص می سازد کہ نہ صرفاً بر بت پرستی (اژدہا) و پاپ گرای (وحش)، بلکہ بر ساختار سہ قدرت ویرانگر استوار است کہ جہان را بہ ہارمجدون رهنمون می سازند.

چوکائنبو بوتان ٹی ٹی می لہر، گہ یشتنی دادوہری لئی کوئلین ہوہیی خودا پراگہ یاند، و چوکائنبو بوتان ٹی ٹی Future for America گہ یشتنی دادوہری چئی بہ جئی کارانہی خودا پراگہی ہن ٹی. لہ «کاتی کوٹایی» لہ سال ۱۹۸۹، پروسہی ہکی سی قوناعی تاقیکردن ہوہ و پاکسازی دہستی پئی کرد، کاتی ٹی شہش ٹی ہتی دواپی دانیال یازدہ لہ گہل پرووخی ہکی ٹی ہتی سوؤقی ہت ہل وہ شای ہوہ. جیاوازیی ئہوہی می لہر تہنہا بوتپہرستی و پاپای ہتی دہبینی، و پروتستانیی لادانکراوی نہ دہبینی، دہب ٹی تئی بگہینر ٹی تاکو دوخین ہوہکی ہ پروواری ٹولای کہ لہ 1798 ہل وہ شای ہوہ، بہ راستی تئی بگہینر ٹی.

ما این بررسی را در مقالہ بعدی ادامه خواہیم داد.

«ما دیگر وقتی برای از دست دادن نداریم. زمان های پراشوب در پیش روی ماست. جہان بہ روح جنگ بہ ہیجان آمدہ است. بہ زودی صحنہ های مصیبتی کہ در نبوت ها از آن سخن گفتہ شدہ است، بہ وقوع خواہد پیوست. نبوت باب یازدہم دانیال تقریباً بہ تحقق کامل خود رسیدہ است. بخش بزرگی از تاریخی کہ در تحقق این نبوت رخ دادہ است، بار دیگر تکرار خواہد شد.»

در آیہ سیام از قدرتی سخن گفتہ می شود کہ «آیات ۳۰ تا ۳۶ نقل شد.»

«مناظری مشابہ آنچه در این کلمات توصیف شدہ است، بہ وقوع خواہد پیوست.» Manuscript. Releases, number 13, 394